

کشاکش رنج و گنج*
(سازوکارهای حفظ سرمایه و نحوه مواجهه با کولبری در
میدان تجارت مرزی بانه)
هیرش قادرزاده^۱، احمد غیاثوند^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳)

چکیده

پژوهش حاضر در نظر دارد تا به میانجی توصیف میدان کولبری به واکاوی سازوکارهای حفظ سرمایه از سوی بازیگران فرادست غیرنهادی و نحوه مواجهه با کولبری بپردازد. به منظور صورت‌بندی مفاهیم از نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز استفاده شد. روش پژوهش، اتنوگرافی انتقادی با رویکرد کارسپیکن و میدان مورد مطالعه منطقه مرزی بانه است که با نمونه‌گیری هدفمند و به شیوه گلوله برفی تعداد ۲۵ نفر از افراد مطلع و درگیر برای مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انتخاب شدند. بر مبنای نتایج، مشخصه‌های میدان کولبری، مناسبات اقتدارگرایانه - استثمارگرایانه، طرح‌ریزی یک سویه فرایند کولبری، غیاب عاملیت جمعی، توزیع ناعادلانه سود و خطر و تقدم کول بر کولبر است. همچنین بازیگران فرادست غیرنهادی از مجاری شایسته‌نمایی و طبیعی‌نمایی موقعیت، رویت ناپذیری، شکستن استتار؛ پیشروی خزنده سعی در تثبیت موقعیت و تداوم کولبری دارند. فرودستان نیز به میانجی کولبری، بعنوان اصلی - ترین تاکتیک بقا، به انحاء مختلف با بازسازی نوعی حیات اخلاقی و بواسطه سازوکارهایی نظیر پذیرش سازشکارانه، تحمل پذیرساختن خطرات کولبری، موجه سازی و مبارزه منفی در تکمیل چرخه مناسبات میدان تجارت مرزی کولبری را پذیرفته و استمرار می‌بخشند. در پایان باید ناهرابری‌های موجود در میدان تجارت مرزی میان گروه‌های فرودست با سایر گروه‌ها را در ضعف آن‌ها در بسیج منابع و عدم مشارکت در دیالکتیک کنترل و به سخن دیگر فقدان عاملیت ارزیابی نمود.

کلیدواژه‌ها: تجارت مرزی، مردم‌نگاری انتقادی، بانه، کولبری، میدان کولبری، مناسبات کولبری

Doi: <http://10.22034/JSI.2024.2008834.1663>

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱. دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hersh.qaderzade@gmail.com

ah.ghyasvand@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

بیان مسئله

«صدای سکوت همه را به اسارت برده. صدای خیش خیش برگ‌ها زیر کفش‌ها، مأنوس‌ترین ملودی دنیا است. صدای نفس‌ها هر از گاهی سکوت را به عقب می‌راند. نفس‌های به تنگ آمده از سنگینی و سرمای هوا. اینکه چند سال داشته باشی مهم نیست؛ جنسیت هم اهمیتی ندارد. می‌شود دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس هم بود حتی دانش آموز. میان این کوه‌های سخت و سرد؛ مهم بلدی راه است و توان. باید توشه برداشت و دل به کوه زد. کمرها به هر تخته سنگی که دم‌دست باشد، تکیه می‌دهند. پاها نقش بر زمین می‌شوند تا دمی بیاسایند. کابوس و دلهره برگشت، دست بردار نیست؛ باز آمدن یا نیامدن در این ملک، دست تقدیر است. مین تنها بلای جان نیست، سقوط از صخره و هزار تله دیگر وجود دارد که باید از آن‌ها گذر کرد. هر بار که یخچال یا تلویزیونی را روی کول خود می‌بندد در گذر از کوهستان پرخطر با خود می‌گوید: «خدایا به امید تو». می‌داند شاید آخرین بار باشد، راهی کوه می‌شود. بارهای سنگینی که مردان و زنان این دیار برای کسب لقمه نانی بر دوش می‌بندند، این تنها گوشه‌ای از ماجراست، انتظار مادران خود عالمی دارد. مادران بی‌تابی که شب را به صبح گره می‌زنند در انتظار پسران و شوهران‌شان، تسبیح به دست؛ زانوی غم بغل کرده و این چرخه عذاب دائمی همچون داستانی بی‌پایان ادامه دارد.»

شرح اشاره شده توصیف مختصری از زیست‌جهان کولبرانی است که برای تامین معیشت کالاهایی را که برطبق تعریف دولت مرکزی قاچاق محسوب می‌شود بر روی پشت حمل کرده و از مناطق صعب العبور و خلاءهای مرزی به داخل شهرها و روستاهای مرزی انتقال می‌دهند. اگرچه پدیده کولبری برای هیچ گروه انسانی امری پسندیده و خوشایند نیست، اما «کولبر» و «کولبری» دو مولفه اصلی زندگی برای بخشی از مردمان مرزنشین در غرب کشور است. آمارهای رسمی تعداد کولبران را ۸۰ تا ۱۷۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند. برطبق آمار موجود بانه، مریوان و سقز در استان کردستان، سردشت و اشنویه در آذربایجان غربی، نوسود و پاوه در استان کرمانشاه بیشترین تعداد کولبران را دارند (ایرنا، ۱۳۹۸).

کردستان به عنوان یکی از استان‌های درگیر در کولبری، در مقایسه با سایر مناطق محروم مانده و به حاشیه رفته است و در رتبه ۲۹ در میان ۳۱ استان کشور قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). با عنایت به تأخر اقتصادی، توسعه‌نیافتگی و ضعف جدی در زیرساخت‌های حمل و نقل و دوری از مراکز صدور و پخش کالا، ناامنی‌های سیاسی و اقتصادی، جنگ تحمیلی و...

تجارت مرزی^۱، به شیوه اصلی معیشت در مناطق مرزی استان کردستان مبدل گشته و به مثابه قلمرو بدیل توسعه مورد توجه ساکنان و کارگزاران نهادی قرار گرفته است؛ وضعیتی که حاوی دلالت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده و تجربیات منحصربفردی را برای ساکنان این استان رقم زده است. تجارت مرزی، بعد از تحولات عراق دستخوش تغییرهای زیادی شد و در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌های اقتصادی و نوسان‌های ارزی، عرضه کالاهای خارجی ارزان قیمت و قاچاق کالا به سایر نواحی کشور به عنوان مجرای برای برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی در سطوح مختلف پدیدار شد. در گذر زمان تجارت مرزی به مثابه پدیده‌ای حک شده در روابط اجتماعی و سیاسی، میدانی از شبکه بازیگران در سطوح خرد، میانه و کلان را شکل داده است. در این میدان، شبکه منافع و سلسله مراتبی از روابط فرادستی و فرودستی بر مبنای میزان برخورداری از سرمایه اقتصادی و نهادی تکوین یافته است. فرادستان از ساختارهای نهادی تا تجار عمده در سطوح کلان و میانه، صاحب‌بار، ضمانت‌چی در سطح خرد با بهره‌گیری از سازوکارهایی برای بقای کولبری تلاش می‌کنند و در تکمیل چرخه مناسبات میدان، فرودستان به میانجی کولبری، به مثابه تاکتیک بقا، سبب تداوم و بازتولید کولبری می‌شوند. کنشی که به رغم اینکه حساس‌ترین بخش فرایند مبادلات بازار است، اما کولبران، از نظر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و آسیب‌پذیری در پایین‌ترین رده میدانش قرار دارند. کسانی که در طراحی، سفارش، سرمایه‌گذاری و فروش کالا نقشی ندارند و کنشگری آن‌ها محدود به جابه‌جایی کالاهای سرمایه-گذاران به داخل کشور است. کولبری با وجود اینکه عرصه رنج و مخاطرات است، از سوی تعدادی از ساکنان مناطق مرزی در پاسخ به شرایط اضطرار برگزیده شده است و در عین حال همچون نمادی در جهت شناسایی آن‌ها نیز عمل می‌کند. تداوم کولبری، مناسبات سلطه را زیر سوال می‌برد و در عین حال ناکارآمدی سیاست‌های توسعه‌ای را نمایان می‌سازد. کولبری با وجود مخاطرات جسمی، جانی و تبعات نهادی و امنیتی تا به امروز تداوم پیدا کرده و از یک کنش اقتصادی به یک زیست‌جهان اجتماعی-فرهنگی بدل گشته است. پژوهش حاضر درصدد تامل در این مساله است که میدان کولبری، چگونه نابرابری‌ها و تعارض منافع موجود در میدان تجارت مرزی را بازنمایی می‌کند و کنشگران موجود در آن چرا نقش بسزایی در بازتولید آن دارند. بدون درک این میدان نمی‌توان فهم درستی از این پدیده ارائه داد. با توجه به مسئله اصلی، سوالات این پژوهش از این قراراند:

- چه مشخصه‌هایی بر میدان کولبری حاکم است؟
- بازیگران فرادست از چه رویه‌هایی برای تداوم کولبری بهره می‌برند؟
- کولبران، کولبری را برطبق چه مناسباتی می‌پذیرند؟

پیشینه تجربی

قادرزاده و غیاثوند (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه کیفی بسترهای تداوم کولبری در منطقه مرزی بانه» به واکاوی برخی بسترهای تداوم‌بخش کولبری پرداخته‌اند. از نظر این پژوهش هرچند این سبک از اقتصاد غیررسمی با نام کولبران شناخته شده، اما در واقعیت مجموعه پیچیده‌ای از روابط مالی- سیاسی را در برمی‌گیرد که به وجود آورنده و تداوم‌بخش این نوع از سودآوری است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که بسترهایی نظیر مدیریت پرتناقض و پرنوسان در مناطق مرزی، حک‌شدگی مبادلات مرزی در نظام فرهنگی، پاسخ راهبردی کولبری به تقاضاهای درونی و بیرونی، میدان‌داری الگوی خاصی از سرمایه‌داری در مناطق مرزی و افول سرمایه اجتماعی در تداوم کولبری سهیم‌اند.

شاه‌آبادی و محمدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه» به درک و تفسیر مردم از پدیده کولبری پرداخته‌اند. داده‌ها با روش نظریه زمینه‌ای تحلیل و در قالب ۳۴ مفهوم اساسی و ۷ مقوله عمده (اقتصاد سیاسی مرز، خطرپذیری بقا، مسخ اجتماعی، فرسودگی شغلی، از خود بیگانگی، مشروعیت‌سازی، نارضایتی خانوادگی) و مقوله هسته اقتصاد سیاسی مرز کدگذاری و تحلیل شدند.

عنبری و عبده‌زاده (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران» به بررسی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه با بهره‌گیری از روش مردم‌نگاری انتقادی پرداخته‌اند. از نظر این مطالعه کولبری محصول انتخاب ساکنان نبوده بلکه بواسطه عواملی نظیر تنگناهای معیشتی و نبود منبع درآمد جایگزین، احساس تبعیض ساختاری، جبر جغرافیایی و نبود اشتغال و زیرساخت‌های صنعتی، کشاورزی و گردشگری در منطقه، بازتولید جبری مرز، عدم حمایت دولت از ساکنان مناطق مرزی بویژه فقرا، رایج شدن سرمایه‌داری رانتیر و طرد ساختاری نهادین برساخت شده است.

سلیمانی و احمدپور (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «زندگی و کار بر لبه استعمار داخلی: اقتصاد سیاسی کولبری در روزه لات» با تحقیق در مورد کولبری، به سیاست دولت برای سیاست‌های توسعه‌زدایی مناطق کردنشین ایران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که کولبری

نتیجه مستقیم سیاست‌های تک‌اتنیکی - تک‌مذهبی مربوط به توسعه است که جزئی لاینفک از استراتژی دولت در کردستان است. بنابراین کولبری بیشتر پدیده‌ای سیاسی است تا اقتصادی. با عنایت به اهمیت موضوع و درگیری چند استان مرزی، پیشینه مطالعاتی در زمینه مطالعات کولبری حاکی از فقر پژوهش‌های جامعه‌شناختی در این زمینه است، معدود مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر نشان از گشایش موضوع در میدان دانشگاهی دارد. به لحاظ روش-شناسی نیز در پژوهش حاضر با روش «مردم‌نگاری انتقادی و با رویکرد کارسپیکن» به تجربه ارتباطی در کولبری و رابطه آن با قدرت که حاصل مناسبات نهادی و غیرنهادی کولبران در شبکه و میدان تجارت مرزی است، پرداخته می‌شود.

سازه‌های مفهومی

با توجه به هدف‌ها و پرسش‌های پژوهش از نظریه ساخت‌یابی^۱ آنتونی گیدنز^۲ برای تفسیر فرایند انجام پژوهش و تحلیل یافته‌ها استفاده شد. این نظریه مبتنی بر این تصور است که ساختار و عاملیت یک واقعیت دوسویه است که هیچ کدام بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد (گیدنز، ۱۹۸۴: ۲۱۹). گیدنز ساختار را بر حسب قواعد و منابع تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۹۸۴: ۱۷). از نظر گیدنز، ساختار همان چیزی است که به زندگی اجتماعی شکل می‌بخشد، اما این شکل از آن خودش نیست. گیدنز ساختار را الزام آور و توانایی بخش می‌داند که به صورت بازگشتی در تولید و بازتولید نظام‌های اجتماعی موثراند (کسل، ۱۳۸۳: ۱۶۸). در این نظریه قواعد و منابع نه به عنوان واقعیتی بیرونی و الزام آور که کنشگران را احاطه کرده است، بلکه چیزی است که کنشگران آن را به کار می‌برند. از نظر گیدنز قواعد، بیشتر به صورت دستورالعمل‌ها هستند که به صورت بازاندیشانه ایجاد می‌شوند. گیدنز همچنین منابع را به منزله شالوده‌ها یا حامل‌های قدرت بررسی می‌کند که ساختارهای سلطه را تشکیل می‌دهد و مورد استفاده طرف‌های کنش متقابل قرار می‌گیرد و از رهگذر دوسویگی ساخت و بازتولید می‌شوند (پارکر، ۱۳۸۶: ۹). از نظر گیدنز صرف وجود قواعد برای انجام کنش کافی نیست، بلکه توانایی انجام کنش یا منابع نیز ضروری‌اند، زیرا منابع ابزار مادی و توانایی سازمانی را برای انجام کنش فراهم می‌آورد. از این منظر قدرت جزئی از وجود هر ساختار است. هنگامی که کنشگران در تعاملات خود منابع را به کار می‌برند، قدرت را برای شکل دادن به

1. Structuration
2. Anthony Giddens

کنش دیگران بسیج می‌کنند(ترنر^۱، ۲۰۰۳: ۶۱). کنش از نظر گیدنز دنیای خارجی و مناسبات اجتماعی را تغییر می‌دهد و به ناگزیر متضمن قدرت است، بنابراین قدرت در کلیه مناسبات انسانی مندرج است، همینطور هم مبارزه برای کسب قدرت و لذا فقط به صرف انسان بودن کسی را نمی‌توان پیدا کرد که کاملاً بدون قدرت باشد(کرایب، ۱۳۷۸: ۱۴۶). در کنار مفهوم قدرت، بررسی استراتژی‌های مقاومت و نحوه بازتولید ساختار از سوی عاملان اجتماعی اهمیتی اساسی دارد. لذا با توجه به دوسویه بودن مناسبات قدرت در نظریه ساخت‌یابی، حتی گروه‌های فرودست نیز که در رابطه اجتماعی نابرابری قرار دارند می‌توانند جریان توزیع منابع و شکل‌گیری قواعد را با کنش خود متاثر سازند(گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۶). از نظر گیدنز، روابط قدرت بین قدرتمندان و محرومان از قدرت، پیوسته دربرگیرنده ترکیبی از آزادی عمل و وابستگی است. اعتصاب، نافرمانی مدنی، تحریم و شرکت در انتخابات به صورتی استراتژیک، تاکتیک‌هایی است که محرومان قدرت در آنچه گیدنز دیالکتیک کنترل^۲ می‌نامد، به کار می‌گیرند (کوهن، ۱۳۷۹: ۴۳۵). گیدنز در دیالکتیک کنترل بر آن است که مجموع قدرت در جامعه صفر نیست و همیشه زیردستان قابلیت دگرگون سازی شرایط را دارند(لیدر^۳، ۱۹۹۷: ۱۶۷).

بنابراین، اگر فرض کنیم که کنترل نابرابر بر منابع و قواعد میان گروه‌های اجتماعی یک عامل عمده نابرابری است؛ متعاقباً نیز می‌توان استدلال کرد که عدم مشارکت در دیالکتیک کنترل و کاهش میزان عاملیت کنشگران اجتماعی می‌تواند، نابرابری‌های موجود را تشدید کند. این امر نشان می‌دهد که پویایی برهمکنش عاملیت و ساختار ارتباط مستقیمی با ارتقای قابلیت‌های جمعی افراد در جهت مشارکت و کنش جمعی موثر دارد. مفهوم قابلیت جمعی، از مفاهیمی است که برای نشان دادن تعامل فرد در ساختارهای کلان مطرح شده است. این نوع از قابلیت که فرد به تنهایی و بدون ارتباط با دیگران قادر به دستیابی به آن نیست عمدتاً از طریق وجود سه ظرفیت عمده در هر نظام اجتماعی (کنش جمعی، سازمان و سرمایه اجتماعی) ایجاد می‌شود (سولوا^۴، ۲۰۰۶: ۴۰۵). مثلاً وجود بسترهای مناسب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، جهت انجام کنش جمعی عامل مهمی در تاثیرگذاری گروه‌های مختلف در روند توزیع منابع و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های محلی و کلان است. از سوی دیگر، افراد در جامعه می‌توانند از طریق کنش

1. Turner
2. Dialectic of control
3. Layder
4. Solava

جمعی در تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های موجود موثر باشند، امری که انجام آن بواسطه کنش فردی ممکن نیست. عامل دیگر در تقویت قابلیت‌های جمعی وجود نهادها و سازمان‌های اجتماعی است که در چارچوب آن کنش متقابل اجتماعی صورت می‌پذیرد. نوع و کارکرد این سازمان‌ها در دستیابی افراد به آزادی و فرصت‌های اجتماعی و دیگر قابلیت‌های جمعی واجد اهمیت است. در این رابطه، انواع سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌ها و گروه‌های خودیار نقش مهمی در پیوند و تعامل افراد با ساختارهای اجتماعی دارد (سولوا، ۲۰۰۶: ۴۰۹). در نهایت متغیر دیگر سرمایه اجتماعی است که با تسریع کنش‌های جمعی، نقش اساسی در ایجاد پویایی بین عاملیت و ساختار ایفا می‌کند (کتتل^۱، ۲۰۰۴: ۹۶۳).

روش پژوهش

مطالعه حاضر بر مبنای پارادایم انتقادی و روش‌شناسی کیفی^۲ است و به تناسب این روش‌شناسی برای انجام عملیات تحقیق از روش مردم‌نگاری انتقادی^۳ با رویکرد کارسپیکن^۴ بهره گرفته شد. مردم‌نگاری انتقادی همان مردم‌نگاری متعارف است اما با یک هدف سیاسی و تغییرخواه (توماس^۵، ۱۹۹۳). مردم‌نگاری انتقادی به پس‌ظواهر می‌رود، وضعیت موجود را مختل می‌کند و مفروضات بی‌طرف و مسلم انگاشته شده را، با روشن نمودن عملکردهای اساسی و مبهم قدرت و سلطه برهم می‌زند (کارسپیکن، ۱۹۹۶: ۶۳).

قلمرو مطالعه، میدان تجارت مرزی در منطقه مرزی بانه است که در منطقه‌ای کوهستانی در غرب استان کردستان واقع شده است. بر طبق آمار سال ۱۳۹۰ جمعیت بانه در نقاط شهری ۹۰۳۰۴ نفر و در مناطق غیرشهری ۴۲۲۶۱ نفر و مساحت آن ۱۴۵۲/۳۹ کیلومتر مربع است. بانه حدود ۱۲۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد و همسایه جنوبی آن، سلیمانیه عراق است. در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و برحسب تجربه‌ای که از تجارت مرزی و کولبری داشتند، انتخاب شدند. راهبرد نمونه‌گیری، در ابتدا هدفمند و در ادامه نظری است. همچنین از معیار اشباع نظری جهت تعیین حجم و تعداد نمونه‌ها بهره گرفته شد. نمونه‌گیری نظری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، چرا که تعیین حجم نمونه به اشباع نظری بستگی دارد.

1. Cattell
2. Qualitative Methodology
3. Critical Ethnography
4. Carspecken
5. Thomas

جدول شماره ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در تحقیق

نام	سن	میزان تحصیلات	شغل	مدت زمان مصاحبه (دقیقه)
کد ۱	۵۵	لیسانس	مغازه دار	۱۲۰
کد ۲	۳۵	کارشناسی ارشد	مغازه دار	۸۰
کد ۳	۴۰	دیپلم	پاسازدار	۱۲۰
کد ۴	۴۲	دیپلم	تاجر خرده پا	۵۰
کد ۵	۳۶	لیسانس	تاجر خرده پا	۸۰
کد ۶	۴۷	سیکل	تاجر کلان	۴۵
کد ۷	۴۰	سیکل	تاجر کلان	۴۵
کد ۸	۶۴	لیسانس	فعال مدنی	۵۰
کد ۹	۴۴	دکتری	فعال مدنی	۷۵
کد ۱۰	۲۶	سیکل	کولبر	۱۲۰
کد ۱۱	۴۳	ابتدایی	کولبر	۱۱۰
کد ۱۲	۳۹	سیکل	کولبر	۹۰
کد ۱۳	۲۳	سیکل	کولبر	۱۲۵
کد ۱۴	۲۳	کارشناسی	کولبر	۸۰
کد ۱۵	۲۹	کارشناسی ارشد	کولبر	۷۵
کد ۱۶	۲۷	بی سواد	کولبر	۷۵
کد ۱۷	۲۸	دیپلم	کولبر	۱۲۰
کد ۱۸	۲۰	دانش آموز	کولبر	۳۰
کد ۱۹	۴۰	دیپلم	ضمانت چی	۶۰
کد ۲۰	۴۴	ابتدایی	ضمانت چی	۵۰
کد ۲۱	۵۰	حوزوی	امام جمعه شهر بویین	۴۵
کد ۲۲	۴۵	حوزوی	امام جمعه روستای شوی	۴۵
کد ۲۳	۴۷	حوزوی	شورای روستای کیله	۷۵
کد ۲۴	۳۸	دیپلم	شورای روستای برویشکانی	۶۰
کد ۲۵	۴۹	دیپلم	شورای روستای ننور	۵۵

جهت جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای مصاحبه فردی، متمرکز و عمیق، مشاهده مشارکتی استفاده شد. برای نیل به اعتبار محقق در طول فرایند انجام مطالعه، رویکرد بازاندیشانه‌ای را در دستور کار خود قرار داد و حضور مداوم و بلندمدت در میدان داشت. کنترل اعضاء نیز از موارد

قابل توجه بوده است. جهت تحلیل داده‌ها از رویکرد کارسپیکن (1996) که شامل یک مدل پنج مرحله‌ای است، بهره گرفته شد. این مراحل عبارتند از: ایجاد رکوردهای اولیه، تحلیل بازسازی اولیه، تولید داده‌های گفتگویی، توصیف روابط ساختاری (تفسیر)، روابط ساختار به عنوان توضیحات از یافته‌ها (کارسپیکن، ۱۹۹۶: ۴۳).

مرحله اول: محقق ابتدا به صورت ناشناس و در موقعیت مشاهده‌گر و ناظر بیرونی با حداقل سطح تماس با افراد مورد مطالعه وارد میدان تحقیق شده و سعی در آگاهی از فرایندها و امور داشت. انجام مشاهده در این مرحله تا زمانی ادامه یافت که امکان جمع آوری اطلاعات جدید از طریق مشاهده وجود نداشته است. از داده‌های مشاهده‌ای جهت ارائه گزارش و توصیف زمینه مورد مطالعه، استفاده می‌شود (هاردکستل و همکاران، ۲۰۰۶). بازه زمانی کار میدانی به مدت ۳ ماه از تیرماه سال ۱۴۰۰ تا اوایل آبان همان سال بوده است. در این دوره، محقق جهت کسب شناخت مقدماتی از میدان، در قلمروهای عمومی به مشاهده رویدادها و جریان زندگی روزمره در شهر و روستاهای مرزی پرداخت. در ادامه پژوهشگر پس از ۸ مرتبه مراجعه به نقاط مختلف مرز کولبری در طول شهریور و مهرماه به عنوان کولبر، کار میدانی را ابتدا به روش غیرمشارکتی و در ادامه به روش مشارکتی انجام داد. با اینکه در این پژوهش از تکنیک اصلی جمع‌آوری داده‌ها در کار میدانی مردم‌شناختی شامل مشاهده مشارکتی استفاده شد، از فنون رایج دیگری نظیر مشاهده مستقیم، گفت و گوی غیررسمی یا شنیدن موقعیتی هم بهره گرفته شد. کارسپیکن برای مشاهده دستورالعمل شفافی ارائه نداده است. به همین دلیل در ابتدای ورود به میدان، پژوهشگر در یک تور بزرگ به مشاهده بافت میدان پرداخت و توصیف میدان را با این سوال آغاز نمود که «در میدان چه می‌گذرد؟». دوره‌های حضور پژوهشگر در میدان با توجه به ماهیت موضوع، بیش از دو ساعت و گاهی تا ده ساعت به طول می‌انجامید. حضور در میدان تا زمانی ادامه یافت که روتین‌ها چندین بار در یادداشت‌ها تکرار گردیدند. این نقطه از نظر کارسپیکن یعنی داده‌ها و اسناد اولیه کافی را جهت ورود به مرحله بعد فراهم آورده‌ایم.

مرحله دوم: محقق سعی می‌کند آنچه در مرحله اول مشاهده کرده را منظم و ساماندهی کند و تحلیل‌های مقدماتی از میدان ارائه دهد. هدف، نمایش دادن موضوعات، مسائل کلیدی نظیر کشف روابط و مناسبات قدرت، شناسایی برهمکنش‌های اجتماعی، روال‌ها، نقش‌ها و روابط پشت‌پرده درون میدان و حوزه‌هایی است که در مراحل بعدی به کاوش بیشتر نیاز دارند. تحلیل در این مرحله بازسازی است و براساس مفاهیم دست دوم انجام می‌شود. از این رو مقدماتی

است و در مراحل بعدی تکمیل خواهد شد. بر این اساس در مطالعه حاضر، میدان کولبری توصیف و برهمکنش‌های اجتماعی، روندها، نقش‌ها و روابط قدرت شناسایی می‌گردد. همچنین اینکه فرایند کار در میدان به چه صورت است؟ مهمترین بازیگران موجود در میدان کدامند؟ روابط آنها با یکدیگر و سلسله مراتب قدرت به چه صورت است؟ قدرت در میدان در دست کیست؟ تصمیمات چگونه اتخاذ می‌شود؟ نظام پرداخت، شناسایی قواعد و هنجارها از دیگر موارد مورد توجه بوده است. محقق در این مرحله ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده مشاهده‌ای و یادداشت برداری‌ها و رویدادهای معمول و غیرمعمول را شناسایی و مشخص می‌کند، سپس کدگذاری سطح پایین که نوعی سازماندهی مقدماتی داده‌ها برای تحلیل داده‌ها در مراحل بعدی است را انجام می‌دهد. بعد از کدگذاری سطح پایین، محقق به بازسازی معنایی اولیه می‌پردازد (داوودی، ۱۳۹۶: ۷۷).

مرحله سوم: هدف جمع‌آوری داده‌هایی است که دیدگاه‌ها و نقطه نظرات مشارکت کنندگان را از طریق مصاحبه‌های فردی یا گروهی انعکاس می‌دهد. در این مرحله، از مصاحبه بهره گرفته می‌شود. بنابراین، هدف ایجاد شرایطی برای گفت و گو بین پژوهشگر و سایر مشارکت‌کنندگان، صدا دادن به آنان و تولید داده‌ها با مشارکت افراد مورد مطالعه است (کارسپیکن، ۱۹۹۶: ۴۴). در این مطالعه تلاش بر این بود که مصاحبه‌های رسمی بلافاصله بعد از کولبری با کولبران و سایر بازیگران انجام شود که این امر به علت خستگی ناشی از فرایند کولبری و فضای غیرقابل پیش‌بینی، بیشتر شبیه به بازجویی به نظر می‌رسید و احتمال اینکه باور واقعی مشارکت‌کننده را آشکار کند، ضعیف می‌شد. همچنین این نگرانی وجود داشت که اعتماد مشارکت‌کننده به محقق مخدوش شود. به این ترتیب مصاحبه‌ها با کولبران و سایر بازیگران خارج از فضای کولبری صورت پذیرفت.

مرحله چهارم: هدف این مرحله کشف و شناسایی روابط سیستمی، بین آنچه در زمینه تحقیق کشف شده با زمینه‌های گسترده‌تر است. محقق از طریق تحلیل سیستم‌ها ارتباط رویدادها و روال‌مندی‌های روزمره در میدان مورد مطالعه را با دیگر بسترها نشان می‌دهد. این مرحله، با مفهوم «بازتولید اجتماعی و پیوند سطوح خرد و کلان» مرتبط است (استوارت و آشر^۱، ۲۰۰۷: ۹۹۷). مدل کارسپیکن شامل شرایط کنش، ارتباط کنشگر با شرایط کنش، معانی کنش‌های اجتماعی، پیامدهای کنش و ارتباط سیستمی است. با راهنمایی از مفاهیم گیدنز،

1. Stewart and Usher

کارسپیکن شرایط کنش را در چهار مقوله شرایط عینی- بیرونی، ذهنی- بیرونی، فرهنگی- درونی و رابطه‌ای- نهادی دسته‌بندی می‌کند (کارسپیکن، ۲۰۱۲: ۶۰).

مرحله پنجم: هدف این است که یافته‌های بدست آمده را با پیوند دادن به تئوری‌های جامعه‌شناختی کلان که به طور انتقادی بر فرایندهای تولید و بازتولید اجتماعی تمرکز دارند، تحلیل نمائیم (کارسپیکن، ۲۰۱۲: ۸۰).

یافته‌ها

۱. مشخصه‌های حاکم بر میدان کولبری

الف) مناسبات اقتدارگرایانه - استثمارگرایانه: برمبنای یافته‌ها در میدان کولبری قدرت از بالا به پایین اعمال شده و آزادی عمل کولبر به شدت محدود می‌گردد. در این روابط بیشترین بهره‌کشی از نیروی کار کولبر صورت می‌پذیرد. در چنین مناسباتی ضمانت‌چی^۱ قدرت کاملی در بکارگیری و اخراج کولبران دارد. در همین رابطه یکی از کولبران تحصیلکرده می‌گوید: «تعهدی به ما ندارند، دوست داشته باشند به راحتی می‌تونند مارو دک کنند. ضمانت‌چی با کولبران بحث نمی‌کند، چون معتقد هستند با کولبران که صحبت بکنی انتظارات بیشتری پیدا می‌کنند، خودمانی می‌شوند. از نظر اونها کولبر خوب کولبریه که سر به زیر باشه، کار خودش رو انجام بده سوال نپرسه و هر چی گفتیم بگه چشم». منطق حاکم بر میدان در پی انباشت سرمایه برای سرمایه‌گذاری مجدد است. در همین رابطه یکی از صاحبان بار خاطر نشان می‌سازد: «تنها اولویت اینه که بارمون برسه حالا شب باشه یا روز برامون اهمیت نداره اینکه چه اتفاقی پیش بیاد مهم نیست، ما هم ریسک کرده‌ایم سرمایه‌مون در خطر و در ازای پولی که به ضمانت‌چی می‌دیم، انتظار داریم». در این فضا صاحبان سرمایه می‌کوشند به هر طریقی که شده با بهره‌کشی از نیروی کار ارزان سرمایه‌شان را حفظ کنند و در راستای نیل به این هدف‌های منفعت طلبانه گونه‌های جدیدی از روابط اقتداری- استثمارگری در قالب ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های مونتاژ کالا بوجود آمده است.

۱. افرادی هستند که ورود سالم کالا را از خاک عراق تا داخل شهر تضمین می‌کنند و اگر در این فرایند به هر دلیلی نتوانند کالا را به صاحب‌بار تحویل دهند، هزینه از پیش توافق شده را باید به صاحب‌بار پرداخت کنند.

ب) طرح‌ریزی یک سوبه فرایند کولبری: یافته‌ها نشان از آن دارد که ساختار اقتدار- استثمارگرایانه کولبری از طریق تضعیف قدرت و توانایی جمعی کولبران، در عمل مانع از مشارکت آنان در طرحی فرایند کار می‌شود. در ساختارهای غیرمشارکتی و اقتدارگرایانه نظیر کولبری طراحی فرایندکار توسط فرادستانی نظیر ضمانت‌چی، حق مطلق تلقی می‌گردد. حقی که در عمل به بهای نادیده گرفتن نیازهای کولبران و خطرات احتمالی اعمال می‌شود. بسیاری از حوادث کولبری نتیجه طراحی یک سوبه‌ای است که ضمانت‌چی تنها با هدف سالم تحویل دادن کالا به صاحب‌بار، انجام می‌دهد. در همین رابطه یکی از کولبران می‌گوید: «ما فقط حمل‌کننده‌ایم، اینکه از چه مسیری برویم، کی برویم و چگونه برویم دخالتی نداریم. اینکه امروز کالای چه کسی و محتوای کالا چیست را هم نمی‌دانیم، اینکه از کدام معبر برویم برای کولبر کم‌خطرتر و راحت‌تر است مهم نیست، مهم اینه که از کدام مسیر کول‌شان را رد کنند». یکی دیگر از کولبران در این زمینه می‌گوید: «وقتی از چیزی اطلاعی نداریم احساس ترس بیشتری می‌کنیم؛ از خودمان اختیاری نداریم و فرمان ما دست دیگران است».

ج) غیاب عاملیت جمعی: یافته‌ها گویای آن است کولبران فاقد توانمندی مستقل گروهی برای کنش بر اساس اراده خودشان و نمایندگانی مطلع و مطمئن هستند. این امر بیش از هر چیز از جایگاه مبهم کولبری در نظام حقوقی و انزوای قانونی و نهادی آنان سرچشمه می‌گیرد. یکی از کولبران در این زمینه می‌گوید: «اگه جلسه‌ای باشه نماینده کولبرا رو بخشداری‌ها تعیین می‌کنند. اینها هم نتونستند درد ما رو بگن، در بازارچه‌های کولبری هم نماینده واقعی نداشتیم. نماینده کولبران، افرادی ثروتمند بودند و به حقوق ما بی‌توجه بودند. ما باید نماینده داشته باشیم یک نفر باسواد رنج کشیده». دولت، فعالیت کولبران را قاچاق می‌داند و آن‌ها فاقد هر نوع صنف حمایتی هستند. کولبران چون نماینده و تریبونی در اختیار ندارند نمی‌توانند در قالب یک تشکل، مطالبات خود را مطرح و پیگیری کنند. این امر طرد کولبران در میدان کولبری را در پی داشته است. یکی دیگر از کولبران با سابقه در این زمینه می‌گوید: «نمی‌تونیم از کسی گلایه کنیم. ما اگر بخواهیم از حق‌مان دفاع کنیم چیکار کنیم؟ کسی نیست از ما دفاع کنه. نه نماینده‌ای و نه اداره‌ای که به ما رسیدگی کند. پیش فرماندار بریم؟ پیش نماینده مجلس بریم؟ اونها مارو فقط در دوران انتخابات می‌شناسند». می‌توان گفت طرد کولبران تابعی از فرایندهای کلان سلب قدرت است که به میانجی بازیگران فرادست غیرنهادی، دولت‌ها، قوانین و مقررات اعمال می‌گردد.

د) توزیع ناعادلانه سود و خطر: ماهیت روابط اقتدارگرایانه - استثمارگرایانه موجود در میدان سبب شده سود و خطر میان افراد و گروه‌های مختلف به شیوه‌ای نابرابر تقسیم گردد. این توزیع نابرابر به موقعیت و قرار گرفتن در سلسله مراتب میدان بستگی دارد. یکی از کولبران در این زمینه می‌گوید: «در کولبری اغلب ضمانت‌چی با تلفن امورات را به زیر مجموعه‌هایش اطلاع می‌دهد. وقتی حس کنه خطر وجود دارد، اصلاً نمیاد. صاحب‌بار هم اصلاً به مرز نمی‌آید. در خانه‌اش نشسته و منتظر رسیدن بارش است». کولبران در میدان برخلاف صاحب‌بار، ضمانت‌چی و زیرمجموعه‌هایش در معرض تمامی خطرهای ممکن قرار دارند، از جانب آنان نیز مورد بهره‌کشی قرار گرفته و به رغم خطرهای احتمالی، دستمزد ناچیزی دریافت می‌کنند. در این رابطه یکی از کولبران خاطر نشان می‌سازد: «اگه با کالا دستگیر شویم وارد مسائل قضایی میشه و تمامی عواقب و جریمه‌هاش رو باید کولبر متحمل بشه هم زندان و هم جریمه کالا. اگه در حین کولبری دچار حادثه بشیم از سمت صاحب‌بار و ضمانت‌چی هزینه‌ای پرداخت نمیشه. اینکه چه برسر کولبر و خانواده‌ی وی می‌آید و در آینده گرفتار چه مشکلاتی خواهند شد اصلاً برای سرمایه‌دار مهم نیست».

ه) تقدم کول بر کولبر: اولویت کول (کالا) بر کولبر از دیگر مشخصه‌های میدان تجارت مرزی است. نگرانی صاحبان سرمایه در جهت از دست ندادن و خارج شدن سرمایه از چرخه کسب و کار سبب شده تا افزایش سود و دریافت سالم کالا به محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها در میدان مبدل شود. بر همین اساس این افراد با هدف افزایش سودآوری به حذف هزینه‌ها و اقدامات مربوط به سلامتی روی می‌آورند. در میدان تجارت مرزی نیروی کار ارزان راه را برای گسترش چنین امری هموار کرده است. یکی از کولبران در این زمینه می‌گوید: «ارزش جان ما از کولی که حمل می‌کنیم کمتره، وقتی به هر دلیلی کالا رو نرسونی از پول خبری نیست، حتی کالاها وزن می‌شوند مشکلی اگه داشت از حق الزحمه کم می‌شود. بعضی اوقات که در مرز سخت‌گیری میشه مجبوری تا چند روز بمونی، هزینه این چند روز هم با خودته، در سرما و گرما، هر اتفاقی هم بیفته پای خودته، حتی هزینه کول هم همونیه که قبلاً گفته شده». ماهیت غیرقانونی و عملیاتی کولبری سبب شده مسائل مرتبط با ایمنی کولبران نادیده گرفته شده و کولبر در خط مقدم رویارویی با مشکلات مختلف قرار گیرد. تا جایی که ارزش کار وی به ابزاری برای جابه‌جایی و تحویل بی‌نقص کالا فروکاسته می‌شود و این امر نادیده گرفتن وجوه انسانی کولبر را بدنبال دارد.

۲. رویه‌های حفظ سرمایه توسط بازیگران فرادست غیرنهادی

الف) شایسته‌نمایی موقعیت: یکی از سازوکارهای حفظ سرمایه، احساس و ادعای شایستگی‌ای است که بازیگران فرادست غیرنهادی درباره جایگاه خود دارند. احساسی که فرد خود را مستحق می‌داند به وی احترام بگذارد، او را به رسمیت بشناسد و اجر نهد. این دسته از افراد معتقدند به مردم خدمت لازم را انجام داده و استحقاق تکریم و برخورداری از موقعیت مناسب را در جامعه دارند، اما همزمان از قدرشناسی تعدادی از مردم نیز گلایه دارند. یکی از سرمایه‌داران عمده می‌گوید: «این اتفاق که بانه نگین اقتصادی غرب کشور شد بواسطه زحمت بازرگانان شهر بانه بود. این افراد پاساژ زدند و از این موقعیت استفاده کردند و سرمایه خودشان رو به خطر انداختند. پس این بازار به آسانی به دست نیامده و زحمت زیادی برای آن کشیده شده است». یکی دیگر از سرمایه‌داران در این زمینه می‌گوید: «اگه ما نبودیم کولبری هم نبود که مردم انجام دهند. اتفاقاً باید از سرمایه‌دار تشکر کنند ما کاری رو اینجا انجام دادیم که دولت برای مردم منطقه انجام نداده».

ب) رویت‌ناپذیری: بنا به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، در میدان بویژه در مواقع فوت کولبران و در مجالس ترحیم اسمی از صاحب‌بار آورده نمی‌شود. به همین خاطر این افراد چیزی را به اشغال در می‌آورند که روزنبلوم و تراویس^۱ آن را جایگاه نامشخص و بی‌نشان می‌نامند. منظور آن‌ها از این عبارت این است که افراد در مقولات نامشخص، نیاز ندارند هیچ توضیح خاصی بدهند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۵). بر مبنای یافته‌ها صاحب‌بار یا تاجر هیچ‌گونه ارتباطی با کولبر ندارد و کولبر هم اطلاعی در این زمینه که بار متعلق به چه کسی (بومی و غیربومی) است، ندارد. در بسیاری اوقات کولبر حتی اطلاعی از محتوای واقعی کول‌هایی که حمل می‌کند نیز ندارد. اصولاً صاحب بارهای بومی نیز از تعامل با کولبران پرهیز می‌کنند و همواره نوعی فاصله میان این دو و حفظ جایگاه طبقاتی وجود دارد. صاحبان بار نیز هیچ شناختی از کولبرانی که کالاهایشان را حمل می‌کنند، ندارند. بنابراین می‌توان گفت نامرئی بودن و عدم حضور سرمایه‌دار در میدان احتمال کمترین خسارت مالی و جانی را برای وی به همراه دارد. در این امر نوعی ساده‌سازی واقعیت نهفت است به گونه‌ای که سبب حذف صاحبان بار از شبکه بازیگران و محور گفتگوها می‌شود. دهیار روستای اشتراک‌آباد در این زمینه می‌گوید: «وقتی

1. Rosenblum and Travis

در جمع قرار می‌گیری همه از رنج کولبری می‌گویند که زیر چنگال نیروهای هنگ مرزی قرار گرفته و از زمین و زمان برایش بدبختی می‌بارد، از سرمای زمستان و برف و بوران بگیر تا گرمی هوا، از پرت شدن از صخره بگیر تا مین و حمله حیوانات درنده اما کسی نیست که بگوید سرمایه‌دار و صاحب‌باری که در خانه نشسته، کجاست؟».

ج) طبیعی‌نمایی موقعیت: در این سازوکار، به جای آنکه تمایز و تفاوت موقعیت به مثابه برساخت اجتماعی در نظر گرفته شود، سلسله مراتب اجتماعی را امری طبیعی و بدون ارتباط و وابستگی آن‌ها به روابط قدرت تلقی می‌کنند. یکی از تاجران عمده در این زمینه می‌گوید: «اگره کولبری بخواد بازرگان بشه به شخص خودش برمیگرده. این نتیجه توانایی و دستاوردهای شخصیه. اگر بازرگان نشد تقصیر خودش بوده، وضعیت موجود هم ناشی از تلاش و ریسک-پذیری افراد در بازار است». یکی دیگر از تاجران سرشناس بانه اینگونه از فروکاست مسائل به ناکامی‌های فردی می‌گوید: «زمانی بوده در سالیان ۶۵ تا ۷۰ از قزوین و زنجان می‌آمدن با اتوبوس برای بردن نیروی کار ارزان ما برای کار در این شهرها برای کوره آجرپزی و مرغداری و باغ سیب و سیب زمینی. ما از اون وضع رسیدیم به این وضع جای شکر داره. همه در این بازار به نوعی نفع برده‌اند، اون کسی هم که نتونسته موفق بشه به دلیل بی‌عرضه‌گی اش بوده». طبیعی جلوه دادن وضع موجود، به واسطه ساخت تصورات قالبی تسهیل می‌گردد. این افراد با توجه‌هایی نظیر اینکه «کولبران با اختیار خودشان وارد کولبری می‌شوند، اما به اندازه توانایی خود کول حمل نمی‌کنند و طمع می‌کنند» ضمن سرپوش گذاشتن بر بی‌مسئولیتی ضمانت‌چی و صاحب‌بار و مناسبات استثمارگری موجود، اختیار کاذب و نمادین کولبر در میدان تجارت مرزی را برجسته می‌نمایند.

د) شکستن استتار؛ پیشروی خزنده: همزمان که در میدان تجارت مرزی، بازیگران فرادست دارای مشخصه‌ی گمنامی هستند در ابعاد رسمی و غیررسمی جامعه پیشروی‌هایی داشته‌اند. برمبنای مصاحبه‌های میدانی، این افراد در بعد رسمی ضمن وابستگی و ارتباط با نهادهای قدرت، ضمن در نظر گرفتن منافع‌شان بر سیاستگذاری‌های منطقه تاثیر گذاشته و به عنوان معتمدان محلی مطرح شده‌اند. همچنین در بعد غیررسمی با در دست داشتن نبض بازار بر قیمت‌های اجاره بهای خانه‌ها و مغازه‌ها، قیمت زمین و مسکن، قیمت کول و ضمانت تاثیرگذار بوده‌اند. یکی از فعالان مدنی در این رابطه می‌گوید: «در تعیین فرماندار و شهردار دخالت

می‌کنند. اینها حتی به ادارات کمک مالی می‌کنند. این افراد با وجود اینکه تحصیلات دانشگاهی هم ندارند، اما در انتخاب رئیس دانشگاه‌های سطح شهر هم نقش دارند». همچنین به دلیل آنکه دارایی این افراد، محصول فعالیت‌های غیررسمی است و از جایگاه اجتماعی و سرمایه فرهنگی- (مدارک و مدارج تحصیلی) مناسبی برخوردار نیستند، به واسطه انجام امور عام‌المنفعه، حضور فعال در انجمن‌های خیریه و حمایت از ستادهای تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی به دنبال تبدیل‌پذیری سرمایه اقتصادی به سرمایه فرهنگی و اجتماعی هستند.

۳. واکنش و نحوه مواجهه کولبران

الف) پذیرش سازشکارانه: شخص کولبر همزمان که کولبری را بعنوان یک شغل برگزیده، فرادستی دیگران را نیز پذیرفته است و به جهت ناکارآمدی سیستم دولتی در تامین اشتغال پایدار به میدان کولبری پناه آورده است. براساس یافته‌ها، کولبران موجوداتی تحت انقیاد کامل نیستند. مثلاً هرگاه با ضمانت‌چی بدحسابی روبه‌رو شوند، سعی می‌کنند در ادامه با وی همکاری نکنند. این امکان بیشتر برای کولبران با تجربه مهیا است. همچنین این دسته از کولبران در ارتباط مستمر و همیشگی با سایر کولبران هستند و با سایر کولبران در زمینه وضعیت راه و نرخ کول در ارتباط اند و بر سر کرایه بیشتر با ضمانت‌چی جدل می‌کنند. همچنین با وجود اینکه کولبران جوان خود را دلسوز و متعهد نشان می‌دهند یک نوع احساس ناخوشایند نسبت به صاحب‌بار وجود دارد. در ادامه این نمایش، نوعی اغوای حکیمانه شکل می‌گیرد، برخورد و تعامل کولبر در برابر نیروهای مرزبانی جنبه ملایم تری به خود می‌گیرد و کولبر با زبان بدن، ارادت خود را نشان می‌دهد و فرودستی‌اش را خاطر نشان می‌سازد. در حالیکه در وجودش حجم وسیعی از نفرت و کینه وجود دارد که دائماً در غلیان است و کولبر آنرا سرکوب می‌کند. این میزان احساس انزجار در گفتگوهای کولبران در محافل خانوادگی و مراسمات ترحیم کولبران دیده می‌شود. یکی از کولبران در این زمینه می‌گوید: «مجبوری نقش بازی کنی وقتی زندگیت در دست یک مامور یا سرباز چیکار باید بکنی؟ مجبوری به هر سازشون برقصی. یک روز رفیقت رو میکشن، روز بعد دوباره باید بیای کولبری، در این حالت چه حسی نسبت به مامورا باید داشته باشی؟».

ب) تحمل پذیر ساختن خطرات: حیات کولبران از زیست سیاسی و کرامتی جدا شده و به جان محض تقلیل یافته است؛ حیاتی که از حمایت‌های قانونی و اجتماعی طرد و دچار نوعی بی‌پناهی می‌شود. در این حالت تنها چیزی که برای کولبر باقی می‌ماند تقلا برای بقا و به کار

بستن شیوه‌هایی برای تاب آوری و تحمل پذیرساختن مخاطرات است. آن‌ها در جمع خود مناسک و آداب خاصی در جهت تقویت همبستگی جمعی و کاهش دشواری‌های کار دارند. در گذر زمان کولبرها به منطقه و مسیر شناخت پیدا می‌کنند و سعی می‌کنند مخاطرات را کاهش دهند. یکی از کولبرها در این زمینه می‌گوید: «روحیه مون قوی شده الان در مقایسه با یک تازه وارد میشه این رو متوجه شد، تازه واردها مدام می‌ترسن و میگن خدا کنه گیر نیفتیم، خداکنه کشته نشیم».

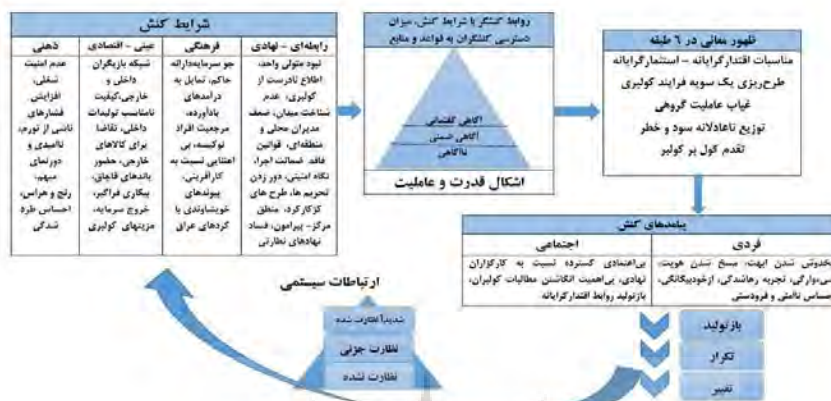
بر اساس مطالعات میدانی، به دلیل شرایط سخت محیطی و خطرات مسیر، نیاز به همکاری، نیازی همیشگی است به گونه‌ای که کولبران بدون همراهی دوستان خود قادر به ادامه کولبری نیستند. این امر، کیفیت روابط را تحت تاثیر قرار داده و بر وابستگی و تعلق گروهی میان کولبران افزوده است. یکی از کولبران در این زمینه می‌گوید: «مثل برادر شده‌ایم، با هم درد دل می‌کنیم مشکلات همدیگر رو میدونیم به همدیگه کمک می‌کنیم حتی اگه پول نیاز داشته باشیم به هم دیگه قرض می‌دیم. حتی رفت و آمد خانوادگی داریم». به گفته کولبران ایجاد جو دوستانه تامین کننده امنیت روانی برای کولبران می‌باشد. کولبران در جریان کولبری نظیر اوقات استراحت، غذا خوردن و اموری از این قبیل با همدیگر بگو بخند دارند، اصطلاحات خاص خود را دارند که با زمان و مکانی که در آن حضور دارند، پیوند یافته است. برخی دیگر که تعلقات مذهبی بالایی دارند قرآن می‌خوانند و ذکر می‌گویند و با توسل به باورهای مذهبی خود را به خدا می‌سپارند، در واقع آن‌ها با این روش‌ها فضا را تحمل‌پذیر ساخته و در پی آرامش و مدیریت ترس‌های خود هستند.

ج) موجه‌سازی: به باور مصاحبه‌شوندگان از سویی نگاه جامعه و انگ‌های دیگران رنج آور است و از سوی دیگر گرفتار شدن در چنگال فقر و فلاکت گزینه دیگری را پیش روی‌شان نگذاشته است. در این برزخ فکری، آن‌ها اغلب اقدام به کولبری را توجیه نموده و آن را شغلی قلمداد می‌کنند که در درجه اول مجبور به انجام آن هستند و در درجه دوم فعالیتی حلال محسوب می‌شود. همچنین تعدادی دیگر از کولبران آن را همچون فعالیتی موقتی و نه دائمی در نظر می‌گیرند. گویی اینکار نوعی آسودگی خاطر را برای آنان فراهم می‌آورد. تعدادی دیگر از کولبران نیز به‌رغم اینکه به زیان‌باری کولبری در جنبه‌های مختلف آگاه بودند، اما خود را مقصر قلمداد نمی‌کردند. یکی از کولبران با سابقه در این زمینه می‌گوید: «کار ما به کسی ضرر نمی‌رسونه. ما خوراکی و پوشاک و لوازم خانگی کول می‌کنیم. کولبری کردن بهتر از اینه که بریم

مواد و مشروب بفروشیم، بهتر ازینه که بریم کلاه این و اون رو برداریم. الان خیلی‌ها رفتن خودشون فروختن، خبرچینی میکنن. بنظر شما کولبری از این کارها بهتر نیست؟».

د) کولبری به مثابه مبارزه منفی: بر مبنای مصاحبه‌های صورت گرفته با کولبران، سرکوفت خوری‌ها بعد از بیکاری و وابستگی طولانی مدت به خانواده و تاخیر در ازدواج، جوانان را دلزده از شرایطی می‌کند که در آن گرفتار شده‌اند، فلذا به دنبال پیدا کردن مجرای برای اثبات شایستگی‌ها و توانایی‌های خود هستند و چون اثبات خود به مسیر معمول و بهنجار هزینه‌بر و زمان‌بر است، کوتاه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین مسیر را انتخاب می‌کنند. تسهیلگر این انتخاب اجباری، دیدن کسانی است که تمام عمرشان را در نگهداشت خاک این سرزمین صرف کرده اند ولی کمترین سهمی از عواید و نعمات مرزی نبرده‌اند. یا بر همین منوال است وضع جوانی که پس از کسب مدارک دانشگاهی با تبعیض یا نگاه غرض‌ورز گزینشگری مواجه می‌شود و از استخدام و مسئولیت باز می‌ماند. در نتیجه چنین شرایطی که بیشتر شباهت به خودزنی دارد، راه مبارزه منفی یعنی راهی عناد ورزانه با خود که حاصل آن نقصان سلامتی و جان دادن است، را پیش می‌گیرد. کولبری جوان در این زمینه می‌گوید: «از روی بی پولی به کولبری پناه بردم، مدتی کولبری رو رها کردم، اما بدلیل حرفای پدر و مادرم و تحقیرها و نگاه‌های طعنه آمیزشون مجبور شدم دوباره برم به سمت کولبری، خیلی فشار عصبی رو تحمل می‌کردم، مدام من رو با پسرهای فامیل و برادر کوچکترم مقایسه می‌کردند، بهم تیکه می‌انداختند، برادر کوچکتر از خودم امسال ازدواج کرد مدام من رو سرزنش می‌کردند که با وجود اینکه ۳ سال از برادرت، بزرگتری نه شغلی داری و نه ازدواج کردی، واقعاً بهم فشار روحی اومده بود، وگرنه اصلاً دوست نداشتم مجدداً برم کولبری. می‌خواستم به همه نشون بدم آدم بی‌عرضه‌ای نیستم».

یافته‌های پژوهش در قالب نمودار شماره ۱ آمده است. کنشگران بر اساس سطوح قدرت، آگاهی و توانایی که در رابطه با شرایط کنش دارند به کنش می‌پردازند و ارتباط خود با شرایط کنش را شکل می‌دهند. شرایط کنش بر مبنای نظریه ساخت‌یابی گیدنز، قواعد و منابعی است که کنشگران برای انجام کنش در اختیار دارند (گرگی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).



نمودار شماره ۱- الگوی پیشنهادی کارسپیکن

نتیجه‌گیری

مسئله پژوهش حاضر واکاوی رویه‌های حفظ سرمایه از سوی بازیگران فرادست غیرنهادی و نحوه مواجهه کولبران به میانجی توصیف میدان کولبری بود. در پژوهش حاضر شرایط عینی کنش عبارت بودند از وضعیت بازار، گرانی و تورم، ازدحام مسافران، تردد فراوان خودروهای حمل کالا و کولبر، تعدد اماکن تجاری و نیز پدیده پولی شدن روابط در جامعه و مظاهر آن نظیر خانه‌های ویلایی، ماشین‌های لوکس و چیزهایی از این قبیل. شرایط ذهنی کنش، احساساتی را شامل می‌شد که کنشگران در این مطالعه تجربه کرده بودند. مثلاً درک و تجربه کولبران و خانواده‌های آن‌ها از احساس تحقیر، طرد و احساس عدم امنیت از جانب نیروهای مرزبانی.

شرایط فرهنگی کنش عبارت بودند از ارزش‌ها و باورهایی که به طور مضاعف استمرار کولبری را تسهیل می‌کند. یکی از این باورها، کم توجهی نسبت به کار تولیدی و عدم علاقمندی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت است. همچنین وجود باورهای دینی در جامعه نظیر تلقی نمودن کولبران به مثابه کاسبکارانی دارای مرتبه بالا به لحاظ دینی، تفاوت درک و تعریف مردم محلی از کولبری با تعریف قانونی آن.

همچنین در پژوهش حاضر از شرایط رابطه‌ای - نهادی کنش می‌توان به کارگزاران نهادی متعدد، تعدد آیین‌نامه‌ها، ضعف مدیریت محلی، قوانین فاقد ضمانت اجرایی، اجرای طرح‌های

ناموفق و مقطعی، فساد نهادهای نظارتی و اتخاذ سیاست‌های مبهم آنان، سیطره رویکرد امنیتی و شرایط تحریمی اشاره نمود.

با استناد به شرایط کنش قواعد و منابع به صورت یک طرفه به نفع فرادستان موجود در میدان تعریف شده است و کولبران از منابع و قواعد لازم برای مواجهه با طرد نهادی و غیرنهادی برخوردار نیستند. در نتیجه با وجود آگاهی اندک کولبران از شرایط کنش و پایین بودن قدرت و توانایی، انتخاب‌های آن‌ها در میدان مورد مطالعه محدود می‌گردد.

معانی پدید آمده از میدان منجر به ظهور ۵ طبقه شده است. تحلیل‌ها حاکی از وجود روابط اقتدارگرایانه - استثمارگرایانه در میدان کولبری است. در این روابط آزادی عمل کولبر محدود می‌شود و در ادامه بیشترین میزان بهره‌کشی از کولبر صورت می‌پذیرد. همچنین ساختار موجود از طریق تضعیف عاملیت جمعی، در عمل مانع از مشارکت کولبران در طرحی فرایند کار می‌شود. این وضعیت در عمل به عدم کنترل کولبران بر فرایند و افزایش حوادث کولبری انجامیده است. از آنجا که دولت، فعالیت کولبران را غیرقانونی می‌داند این امر سبب شده کولبران امکان ایجاد تشکل و حق هیچگونه اعتراضی را نداشته باشند. همچنین ماهیت مناسبات موجود در میدان سبب شده سود و خطر میان گروه‌های مختلف به شیوه‌ای نابرابر تقسیم شود.

برطبق مفهوم «دیالکتیک کنترل» آنتونی گیدنز، حتی افرادی که به شدت زیر سلطه هستند می‌توانند به تفسیر موقعیت خود بپردازند و در وضعیت خود اثر بگذارند (پارکر، ۱۳۸۶: ۱۰۱). بنابراین کولبران نیز که در رابطه اجتماعی نابرابر قرار دارند می‌توانند با کنش خود، جریان توزیع منابع و شکل‌گیری قواعد را تحت تاثیر قرار دهند. در پژوهش حاضر کولبران در شرایطی که طرد اجتماعی را تجربه می‌کردند و عاملیت خود را برای بهبود وضعیت و دادرسی حقوق خود کافی نمی‌دیدند در تکمیل چرخه مناسبات میدان، به میانجی کولبری، به مثابه تاکتیک بقا، سبب تداوم و بازتولید کولبری می‌گردند. به‌رغم اینکه حیات کولبران به ابترترین و تهی‌ترین حالت ممکن درآمده است، اما کولبران با بازسازی نوعی حیات اخلاقی و در عین حال نافرمانی مدنی بواسطه سازوکارهایی نظیر پذیرش سازشکارانه، تحمل پذیرساختن مخاطرات، توجیه و مشروعیت دادن به کار خود و مبادرت به کولبری به مثابه مجرای برای اثبات توانایی‌های خود کولبری را پذیرفته و به آن استمرار می‌بخشند. در این موزانه قدرت، فرادستان غیرنهادی برای طبیعی جلوه دادن وضع موجود و تداوم شبکه منافع در یک مسیر نانوشته تحت عنوان «تداوم کولبری» گام بر می‌دارند؛ اما نکته قابل تامل مشارکت و حضور فعالانه کولبران به عنوان «عنصر حیاتی میدان»

از روی ناچاری و فقدان بدیل، به دلیل عدم دسترسی به قواعد و منابع برای تغییر شرایط کنش، صورت می‌پذیرد.

توجه به منابع در دسترس کولبران گویای این واقعیت است که نه تنها نهادهای دولتی و غیردولتی پشتیبان وضعیت کولبران وجود ندارد؛ بلکه قواعد و قوانین حقوقی کافی نیز برای حمایت از آنان پیش‌بینی نشده است و این موضوع صرفاً به تهیه چند گزارش صوری، مصاحبه و نشست در زمینه لزوم توجه به حقوق شهروندی کولبران منجر شده است. همچنین اندک تلاش‌های کولبران و مدافعان آن‌ها برای حضور در کنش‌های جمعی به منظور مقابله با ساختارهای طرد کننده تنها به مشارکت در کمپین‌های مجازی و درج یادداشت‌های اعتراضی در رابطه با افشای تضییع حقوق کولبران محدود شده است. گو آنکه این تلاش‌ها گویای عاملیت کنشگران در فرایند دیالکتیک کنترل است اما برای تغییر اساسی شرایط کنش، قواعد و منابع موجود کافی نیست. به این ترتیب در شرایطی که کولبران، امکان کنش جمعی ندارند چرخه طرد اجتماعی و کولبری بازتولید می‌گردد، چراکه صدای آن‌ها حتی در پایین‌ترین سطح ممکن در جامعه نیز شنیده نمی‌شود. اساساً زیست‌جهان کولبران، فضایی بی‌زبان و گنگ است که باید به جایش حرف زده شود. از سوی دیگر روایت‌های رسمی هم برداشت‌هایی مرکزگرا هستند که نسبتی با واقعیت ندارند. روایت‌هایی که نه تنها نتوانسته‌اند در وضعیت کولبران تغییری ایجاد کنند بلکه زندگی کولبران را به مثابه «زیست جهانی تماشایی» بر ساخت نموده‌اند که پیامد آن نوعی بازنمایی فرومایه است که در جهت ستایش و شماتت وضعیت کولبران عمل می‌کند.

در نهایت کنش‌های انسانی پیامدهای مختلفی دارند که ممکن است نیت‌مند یا غیرنیت‌مند باشند. این پیامدها از طریق سیستم اجتماعی، با شرایط کنش ارتباط می‌یابند. به نحوی که پیامدهای کنش ممکن است شرایط کنش قبلی را بازتولید یا تکرار کنند یا شرایط کنش قبلی را با ایجاد شرایط کنش جدید مانند تغییر باورها یا هنجارها تغییر دهند (داودی، ۱۳۹۶: ۲۷۴). بررسی پیامدهای کنش در دو بعد فردی و اجتماعی گویای آن است که تجارب کولبران در میدان تجارت مرزی از سویی و اجرای اقدامات نهادی و برنامه‌های ساماندهی کولبری از سوی دیگر باعث شده که ابهت کولبران مخدوش شده و هویت‌شان مسخ گردد و پنداری از شیء‌وارگی را در تجربیات خود توصیف نمایند. به تعبیری دیگر فروکاستن ارزش کار کولبر به ابزاری برای جابه‌جایی کالا، نادیده گرفتن وجوه انسانی کولبر را بدنبال دارد که در نهایت منجر به از خود

بیگانگی کولبر می‌شود. به این ترتیب از آنجا که دستمزد به تحویل کول تعلق می‌گیرد، کولبر با بدن خود نیز بیگانه می‌شود و در قبال جسم و جان خود بی‌تفاوت می‌شود. بر اساس یافته‌های میدانی کولبران طرد را ادراک می‌کردند و تجربه فرودستی، هراس، رنج و درد، رهاشدگی و لال شدگی از تجربیات مکرر آنان بود. همچنین اقدامات نهادی در میدان، منجر به بی‌اعتمادی گسترده در بین کنشگران نسبت به کارگزاران نهادی شده بود. به این ترتیب، ارزش‌ها، ترجیحات و خواست کولبران بی‌اهمیت انگاشته می‌شود و آن‌ها در خارج از تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود در نظر گرفته می‌شدند و سرانجام روابط اقتدارگرایانه - استثمارگرایانه میان کولبران و سایر بازیگران غیرنهادی و کارگزاران نهادی بطور ناملموس و هوشمندانه بازتولید می‌گردد. در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر بر ضعف در قدرت و عاملیت فردی و جمعی کولبران در مقابله با وضعیت موجود دلالت دارد. این امر ریشه در کنترل و میزان دستیابی کولبران به منابع، قواعد و نیز مشارکت آن‌ها در دیالکتیک کنترل دارد.

منابع

- پارکر، ج (۱۳۸۶)، **ساخت‌یابی**، ترجمه حسن قاضیان، تهران: نشرنی.
- شاه‌آبادی، اکبر و محمدی، آرزو (۱۴۰۰)، درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه، **جامعه‌شناسی کاربردی**، دوره ۳۲، شماره ۱، صص: ۱۳۵-۱۵۴
- عنبری، موسی و عبده‌زاده، سیروان (۱۳۹۹)، برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه). **توسعه محلی**، دوره ۱۲، شماره ۲، صص: ۱۸۵-۱۵۳.
- فیروزآبادی، احمد و صادقی، علیرضا (۱۳۹۴)، **طرد اجتماعی** (رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت)، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- قادرزاده، هیرش و غیاثوند، احمد (۱۴۰۱)، مطالعه کیفی بسترهای تداوم کولبری در منطقه مرزی بانه، **پژوهشنامه مطالعات مرزی**، دوره ۱۰، شماره ۴، صص: ۶۳-۸۶.
- کسل، فلیپ (۱۳۸۳)، **چکیده آثار آنتونی گیدنز**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ققنوس.
- کرایب، یان (۱۳۷۸)، **تئوری اجتماعی مدرن: از پارسنز تا هابرماس**، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.
- کوهن، ایراجی (۱۳۷۹)، **آنتونی گیدنز در متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**، ویراسته راب استونز، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.

گرگی، عباس (۱۳۹۴)، بازسازی معنایی پیامدهای برنامه‌های ایمنی و بهداشت کار (معادن زغال سنگ)، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی مجید موحد.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، مسایل محوری در نظریه اجتماعی کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی، ترجمه محمد رضایی، تهران: نشر سعاد.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور ۱۳۹۹-۱۳۹۵. محمدپور، احمد و سلیمانی، کمال (۲۰۱۹)، زندگی و کار بر لبه استعمار داخلی: اقتصاد سیاسی کولبری در روزگه‌لات، ترجمه: خوشنوا قاضی.

موحد، مجید و گرگی، عباس (۱۳۹۴)، مطالعه ساخت اجتماعی حوادث ناشی از کار (مطالعه موردی کارگران معادن زغال سنگ منطقه کوهبنان کرمان و طبس)، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۲، صص: ۱۰۱-۱۲۶.

Ann, Hardcastle, et al. (2006), Carspeckens Five-Stage Critical Qualitative Research Method: an Application to Nursing. *Qualitative Health Research*, 16(1), 1- 46.

Carspecken, PF. (1996). *Critical Ethnography in Educational Research: A Theoretical and Practical Guide*, New York: Psycholo.

Carspecken, PF.(2001).*Critical Ethnography and education*.Emerald Publishing Limited: English

Carspecken, Phil Francis.(2012),"Basic Concepts in Critical Methodological Theory: Action, Structure and System within a Communicative Pragmatics Framework" in Qualitative Resarch: A Reader in Philosophy, Core Concepts and Practice. Barbara, Dennis, Lucinda, Carspecken and P. F, Carspecken. New York. Peter Lang Publishing, Inc. 43-66.

Cattell , Vicky (2004).Social Capital to Explore Dynamics between Structure & Agency in the Context of Declining & Regenerated Neighbourhoods". *Sociology* . vol. 38 (5) pp: 945-963.

Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*. Berkerly/Los Angelese, CA:University of California press.

Layder,Derek.(1997). *Modern Social Theory: Key debates and new directions*. London: UCL press.

Stewart, Lee and Kim Usher (2007), "Carspeckens Critical Approach as a Way to Explore Nursing Leadership Issues". *Qualitative Health Research*, 17, (7) 994-999.

Solava, Ibrahim (2006). "From Individual to Collective Capabilities : The Capability Approach as a Conceptual Framework for Self- Help". **Journal of Human Development** . Vol.7, No.3.

Thomas, J. (1993). *Doing Critical Ethnography (Qualitative Research Method)*. Sage Publications: Newbury Park London New Delhi.

Turner, Jonathan H.(2003). **The Structure of Sociological Theory**, United States,Wadsworth.

